

● سخنرانی‌های همایش چشم‌انداز تحولات خاورمیانه

عوامل رویکرد انتفاضه و مهم‌ترین دستاوردهای آن

محمد ابو جهاد^۱

رفته و یادگارهای دوران، تاریخ نسل‌های آینده و پادمان ملت و جهان را نیز مورد اهداف خویش قرار داده‌اند.

فلسطینیان بار دیگر قضیه خود را به شیوه‌ای نو در قالب معادلات و محاسبات بین‌المللی موجود بر روی میز موازنه قدرت پیچیده و دیردارنده منافع یکسویه دشمن خویش، که همانا انتفاضه بیت‌المقدس می‌باشد، قرار داده‌اند. قدس که جز آن شناخته نشده، جایگاهی است که به فلسطین و سرزمین آن قداست و منزلت ویژه بخشیده است. نام قدس شریف بر شانه‌های شهدا مرتفع گردیده است. شهدایی بسان محمدالدوره که رمز فلسطین و رمزنگون بختی و نابودی کیان صهیونیستی

جهان با شنیدن نام فلسطین دوباره از خواب برخاسته است، اما این بار بانگ فلسطین از درون قدس شریف و در حالی که خون شهدای خردسال فلسطینی که با جسم و جان و سنگ‌های در مشت گره کرده خود محدوده جغرافیای مقدس، کشور غصب شده خویش، میدان جنگ و جدالی و چهار گوشه نخستین میدان ستیز با دشمن صهیونیستی (سال ۱۹۴۸) را دوباره ترسیم می‌کرده برآمده است. صهیونیست‌ها متجاوزانی هستند که با به کارگیری تمامی رویه‌های حيله‌گری و نزویرهای سیاسی و تاریخی و اشغالگری روزآمد خویش نه تنها هدفی جز اشغال سرزمین نداشته، بلکه هدفشان علاوه بر اشغال فلسطین، اسکان یهودیان و تاریخ‌سازی می‌باشد. آنان بسی فراتر

۱. محمد ابو جهاد، از مسؤولان حماس می‌باشد.

می‌باشند. به درستی که شهادت برانزده وی بود تا بدین وسیله رمز فصاحت بار پذیرش شکست و نابخوردی و سبک سری ملت رخم خورده و نمایش قدرت خون و سختی و مقاومت سنگ در مسیر تحقق عزت و سربلندی و پیروزی حاصل آید.

به دور از انصاف است که حق ملت فلسطین را دربرپایی انتفاضه فلسطینیان منحصر به تنها عامل اساسی آن یعنی دیدار شارون گناه‌کار از حریم قدس شریف بدانیم. به رغم این که ما منکر دیدار وی که شرارتی بیش نبود و به انفجار مجموعه عوامل شکل دهنده در درون تاریخ جهاد ملت فلسطین انجامید، نیستیم. بنابراین عوامل رویکرد دوباره انتفاضه حاضر متشکل از یک مجموعه عواملی است که در آن ابعاد تاریخی در قالب‌ها و واقعیت‌های جغرافیایی سهیم می‌باشد و در آن جاودانگی هویت و رشد و تعالی و بالندگی با طرد رویه‌های کاهلی و سست‌انگاری گره خورده است. انتفاضه‌ای که گذشته و آینده را در هم می‌آمیزد تا بدین طریق افق آینده‌ای روشن و جدید را تحت لوای عزت، سربلندی، آزادی و تلاش برای آزادسازی سرزمین‌های غصب شده‌ای که تنها به ملت فلسطین تعلق ندارد و بلکه به کلیه ملت‌های مسلمان جهان بازگشت دارد، ترسیم نماید. انتفاضه‌ای که در جهت

بازگشت مضامین شعار صلح واقعی که گفتگوی مشترک اعراب و اسرائیل طی سالیان گذشته آن را مخدوش کرده است، البته با این تأکید که صلح واقعی اقتدار و وحدت ما را می‌طلبد، صلحی که برپایه حق و عدل برپا شود و نه براساس در نظر گرفتن شرط‌های برتر میدان برانزده آن و یا غصب‌کننده بر غصب‌شونده بنا گردد. اوری سافیر که به عنوان یکی از طراحان توافق اسلو در سال گذشته به شمار می‌آید، در این باره می‌گوید: "شکی نیست که توافق اسلو توافقی جاودانه است، چرا که فلسطینیان از گفتار خویش بازگشته و برای عهد و پیمان خویش که همانا برپایی فلسطین بزرگ و رد دولت اسرائیل بود نهایت و خط پایانی را قائل شدند و عملاً به وجود اسرائیل اعتراف کردند.

اما رونق دوباره انتفاضه ملت فلسطین با تمام توان و قدرت و کلیه اماکن متعلق به موجودیت فلسطین از رأس نافوره تارفع، و از رودخانه‌ها تا دریا گرفته بر تمامی اوهام و خیال‌بافی‌هایی که خودگرایان به اصطلاح صهیونیستی در طول سال‌های گذشته بر آن حکم رانده‌اند، دست رد زده است.

مهم‌ترین عوامل رویکرد انتفاضه

۱: اشغال‌گری

تا زمانی که چتر اشغالگران جنایتکار

۲: فشرده‌گی تجربیات جهادی ملت فلسطین و مقاومت آنان درگذر تاریخ

یکی از مهم‌ترین عوامل رویکرد جدید انتفاضه در سرزمین‌های اشغالی همانا دارا بودن تاریخ متممادی و مشحون از جنگ و ستیز با صهیونیست‌ها از سوی ملت فلسطین می‌باشد. این تاریخ هم‌زمان با آغاز قرن گذشته در برگیرنده جنگ تمام عیار با پدیده صهیونیستی است که بیش از ۵۲ سال به طول انجامیده است. ملت فلسطین در طول این سال‌ها شکل‌های مختلفی از مقاومت ملی را برای خود ثبت کرده است. به گونه‌ای که در سال ۱۹۲۰ اولین انتفاضه در فلسطین بروز و ظهور می‌یابد و به دنبال آن انتفاضه مهم دیگری در سال ۱۹۲۵، هنگامی که لورد آرثر بلخور صاحب وعده‌های خائنانه درحالی که به عنوان نماینده سامی انگلیس به وسیله سربازان کشورش احاطه گردیده بود اقدام به دیدار از مسجد مبارک الاقصی می‌نماید و با این کردار خود انتفاضه فلسطینیان را مشتعل ساخته و بدین‌وسیله راه ورود وی را به حریم مقدس قدس شریف سد می‌کنند. صهیونیست‌ها هیچ‌گاه از اراده و تصمیم شوم و پلید خود در تثبیت حضور و نفوذ خود در قدس شریف به ویژه در سال ۱۹۲۸ باز نایستادند، اما با رویارویی و مقابله ملت فلسطین در سال بعد آن (۱۹۲۹) در انقلاب بزرگی که با عنوان انقلاب

صهیونیست بر سرزمین‌های فلسطین مستولی است، ملت فلسطین با هویت ملی، مذهبی و قانونی بر مقاومت و بیرون راندن دشمن از سرزمین‌های خویش ادامه خواهد داد. در این فراز و سخن استدلالمان تنها اشاره به چند کیلومتر از سرزمین تاریخی فلسطین نیست، بلکه سخن از فلسطینی است که صهیونیست‌ها آن را از سال ۱۹۴۸ به اشغال خود درآورده‌اند و پس از آن به تبعید بیش از یک میلیون فلسطینی که در حال حاضر شمار آنان به چهار و نیم میلیون پناهنده فلسطینی که در شرایط بسیار نامناسبی زندگی می‌کنند، اقدام ورزید. امروزه برای تمامی آنان حق بازگشت به موطن خویش پابرجاست، البته در توافقات به عمل آمده میان سازمان آزادی‌بخش فلسطین با اسرائیل هیچ‌گونه چاره‌اندیشی برای این مشکل و معضل فلسطین نشده است. بلکه همواره آن را در فرایند تصمیم صهیونیستی - امریکایی با هدف تفکیک از اصل قضیه فلسطین و در نتیجه سیطره کامل بر آن سوق داده است. چنانکه با روش توافق اسلو اصول، ریشه‌ها و ارکان قضیه فلسطین تنها به چند کیلومتر خاک تبدیل می‌گردد ولی با این وجود هم خوی ددمنشانه و اشغال‌گرایانه صهیونیست‌ها حتی در این مساحت اندک نیز پنهان نمی‌ماند.

"براق" شناخته می‌شود و به دفاع از دیوارهٔ براق که امروزه صهیونیست‌ها بر آن نام دیوار "سبکی" می‌نامند، مواجه گردیدند. از این رو تمامی آثاری را که صهیونیست‌ها بر آن قرار داده بودند پاک کردند. از این پس انقلاب سال ۱۹۳۶ که شش ماه به طول انجامید و پیروزی‌های شجاعانه‌ای را که رهبران سیاستمدار سنتی از تحقق آنها عاجز بودند و تنها توانستند بر این پیروزی‌ها مسلط گشته و به طور سیاسی آن را مهار نمایند به وقوع پیوست که در نتیجه اقدامات اخیر رهبران سنتی نتایج نکبت بار سال ۱۹۴۸ رخ داد.

ایسن دلایل در برگزیدهٔ برخی از ویژگی‌ها و منزلت‌های انتفاضه‌های بی‌شماری می‌باشد که قبل از سال ۱۹۴۸ به وقوع پیوسته است. اما پس از سال ۱۹۴۸ تجربه مقاومت ملی به شکل بارز آن در قالب انتفاضه سال ۱۹۸۷ در برابر ما قرار می‌گیرد. انتفاضه‌ای که همهٔ جهانیان را با نیروی پرنشاط، پرتوان و نونهال خود، همراه با تأثیرگذاری و نتایج ذاتی ملموس از آن و ثمره هفت سال مقاومت، دلیرانه در برابر ارتش صهیونیستی به شگفتی واداشته است. انتفاضه سال ۱۹۸۷ در بنیان‌گذاری نهاد مقاومت ملی و جهادگرایانه موفقیت کامل داشته و از آن‌روست که ملت فلسطین با اتکاء به خویش‌شن خویش در رویارویی با اسرائیل زبون به پیروزی رسید.

انتفاضه مزبور باعث شد تا نرخ ازشغالگری را برتابد، چرا که صهیونیست‌ها هیچ‌گاه حاضر به پرداخت قیمت بالایی برای ازشغالگری خود نبودند. اما انتفاضه هزینه ازشغالگری را افزایش داد و برای اولین بار ارتش ازشغالگر صهیونیست که تعجب جهانیان را برانگیخته بود، درحالی که برخود لقب ارتش منعطف و نرم‌خوی را گذاشته بود به جایی می‌رسد که سرکشی و جنابانش بر علیه زنان، کودکان و نوجوانان و کهنسالان در سطح کوچ و خیابان به اوج خود می‌رسد. صهیونیست‌ها به رغم بهره‌گیری از خشونت و خشم سرگرفته از نیروی نظامی در اجرای سیاست‌های تضييع حقوق جامعه، اعتقادات و خورد کردن استخوان‌ها، عنصری ناتوان و ضعیف می‌باشند. به گونه‌ای که ارتش اسرائیل در این بین زمام امور را نیز از کف داد و در نتیجه نظریات و راهبردهای سرکوبگرانه‌اش فرسایش یافت، تحلیل‌گر نظامی و استراتژیست اسرائیلی ژنیف شیف نیز در این خصوص می‌گوید: بسیار گمراه و نادان است کسی که فرسایش قدرت اجرایی ارتش را نادیده انگارد. البته شیف اذعان دارد که ادامه چنین وضعیتی زیان بار نمی‌باشد" ارتش اسرائیل از نوعی باور و احساس سنگین در عدم توانایی برای سرکوبگری رنج می‌برد. این موضوع از سوی یک تحلیل‌گر نظامی دیگر اسرائیل نیز به نام کارفیلد نیز مورد تأکید قرار

اقتصادی بازستانده است. با این وجود رویکرد انتفاضه پس از امضای توافق‌نامه اسلو و با ضعف سیاسی هدایت‌گران حکومت خودگردان و تجاوزات اسرائیلی‌ها امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. مشاهده دلایل بروز انتفاضه دوم ابراهیمی نیز در سال ۱۹۹۴ و انتفاضه نفق در سال ۱۹۹۶ که به شهادت ۶۰ فلسطینی و کشته شدن ۱۴ اسرائیلی انجامید ما را بر این عوامل رهنمون می‌سازد. هر چند که انتفاضه‌های مزبور محدود بودند اما این حقیقت را نمایان ساخت که ملت فلسطین در جهت دفاع از کیان و هستی خود هیچ‌گاه دست از مقاومت نخواهد شست و در نگرش دیگر موازنه قوا را با اسرائیل غاصب به ثبوت رسانده و سبب شد تا عوامل پیچیده و تکسان دهنده‌ای بر بنیان نظامی و سیاسی حاکمیت دشمن صهیونیستی رسوخ نماید.

۳: دیدار شارون جنایتکار از حریم قدس شریف قدس در قلب ملت فلسطین جایگاهی برای کل سرزمین فلسطین را در خود جای داده است. در بیت‌المقدس بالندگی ملت فلسطین به همراه ملت‌های عربی و اسلامی از حیث دین، تاریخ و تمدن با یکدیگر در می‌آمیزند و سبب تعالی ملی فلسطین می‌گردد. اما دیدار شارون از حریم قدس شریف بالندگی ملت فلسطین و جهان اسلام را فرو ریخت و در نتیجه آن جنگ

گرفته است.

وی می‌گوید: "ارتش اسرائیل با خطر انحلال روبه‌رو است." اما متأسفانه توافقات اسلو به منظور احیای این ارتش که ارکان آن از حیث نظامی و امنیتی در رویارویی با انتفاضه خورد شده است به وقوع می‌پیوندد.

یکی از تحلیل‌گران امور عربی در روزنامه معاریف ۱۹۹۹ پیش درآمدی برتوافق اسلو نگاشته و در نوشتار خود متذکر می‌شود که "اسرائیل قادر به تحمل بیشتر انتفاضه نمی‌باشد." وی می‌افزاید: "می‌خواهم بر این نکته تأکید نمایم که انتفاضه تمامی توان ما را فروریخته است." انتفاضه سال ۱۹۸۷ به همایش ملی و به رویه جاودانگی که کل جامعه فلسطین ضعیف و تحت اشغال را در برمی‌گیرد مبدل شده و با مهار جنگ ویرانگر موفق به افزایش هزینه اشغالگری صهیونیست شد. بسیار دشوار است بر هر تحلیلگر و پژوهشگری که بدون درک اهمیت پایه و اساس قیام جهادی ملت فلسطین در انتفاضه ۱۹۸۷ بتواند به ماهیت و زمینه‌های پیدایش انتفاضه حاضر دست یازد.

ملت فلسطین نیرو و اعتماد به نفس خود را بازیافته است، انتفاضه نیز اعتبار و نقش فراگیر ملت فلسطین را در تمامی سطوح مدیریتی جامعه خود، به ویژه در مسیر حل معضلات و مشکلات روزانه و محاصره

جدید بیت‌المقدس پدیدار گشت. شکی نیست که دیدگاه شارون درخصوص مذاکره با عرفات در کمپ دیوید و غیره، دنباله رو دیدگاه و رویه نخست وزیر سابق دشمن صهیونیستی ایهود باراک می‌باشد. از اینرو ملت فلسطین نیز به خوبی نسبت به شروط مطروحه صهیونیسم که در بردارندهٔ حق کامل و سیطرهٔ آن بر بیت‌المقدس بوده و همواره بر آن تأکید و پای فشرده به خوبی آگاه گشته است و به همین منظور انتفاضه را با هدف تأکید بر حق مسلم مسلت فلسطین و نقش آن در حمایت از بیت‌المقدس و مقدسات آن در فلسطین به کار بست تا احساسات عمیق و برخاسته از روح وفاداری و صداقت ملت فلسطین نسبت به بیت‌المقدس نمایان گردد.

خود پسندی صهیونیست‌ها به حدی رسیده که برخی از آنان از دولتمردان اسرائیلی درخواست انهدام مسجدالاقصی و ایجاد بنای هیکل یهود را به جای آن می‌نمایند. برخی از ایشان نیز مسلمانان را به پیمان شکنی توصیه کرده و از آنان خواستار انتقال مسجدالاقصی به مکه می‌شوند.

۴: شکست ارتش اسرائیل در جنوب لبنان به دست مقاومت اسلامی

پیروزی مقاومت اسلامی بر ارتش

اسرائیل و هیمنه نظامی آن در جنوب لبنان سبب فزونی عزت و اعتماد به نفس مسلمین نسبت به اقتدار و اراده، خویش گردید. به گونه‌ای نیز این پیروزی تنها منحصر به لبنانی که یکپارچه به پشتیبانی مقاومت برخاست نمی‌باشد. بلکه ملت‌های عربی و اسلامی را که از گذشته‌های دور در پی پیروزی واقعی بر دشمن صهیونیستی بودند بر مقاومت استوار ساخت. تا آنجا که ملت فلسطین پس از این پیروزی نسبت به اقتدار، توانایی و مقاومت خویش اعتماد به نفس زائدالوصفی یافته و دریافتند که مسیر آزادسازی فلسطین تنها با مقاومت و فداکاری هموار می‌شود.

حزب الله با مقاومت اسلامی خویش در برابر دشمن صهیونیستی توانست معادله جدید موازنه قوا میان نیروهای اسلامی و دشمن صهیونیستی را ترسیم نماید و از اینرو رعب و وحشت را تا عمق جان صهیونیست‌ها وارد ساخته و به جای ضعف و ناتوانی این کالبد بی‌جان تنها با قدرت ایمان در مقابل ماشین نظامی دشمن رسوخ کند.

شکی نیست که ملت فلسطین امروزه به اعتماد به نفس کامل برای آزادسازی فلسطین و پاک سازی و جب به و جب سرزمین‌های اشغالی دست یافته است و در این میان به خوبی دریافته است که تکیه بر گفتگو و مذاکرات

ساخت هر آنچه که در این گردونه رقم می‌خورد از اهداف راهبردی و خواست‌های جوهری ایشان کاملاً به دور است. همچنین زمینه ساز تدارک انتفاضه- انقلابی که در سال ۱۹۹۳ با هدف نابودی اشغالگری به وقوع پیوست- گردید، که در نتیجه آن اشغالگران را برابر دستورالعمل خود ساخته و پرداخته خویش از برای خون آشامی واداشت. شکی نیست که صهیونیست‌ها با طرح گفتگو برای عقب‌نشینی در پی پراکندن قوا و نیروی نظامی خویش در سرزمین‌های اشغالی می‌باشند تا از اینرو به حاکمیت‌های غیرمستقل و وابسته از حیث اقتصادی و امنیتی دست یابند.

اسلو به مثابه افول اقتدار فلسطینیان و گرفتاری آنان در سیاست تفرقه افکنانه و جدایی طلبانه صهیونیست‌ها و محاصره آنان در مرزهایی که اسرائیل بر آنها سیطره داشت، همراه با شهرک‌ها و راه‌های تحت استیلای آنان پایه‌ریزی شد تا به این طریق مانع رشد و شکوفایی سرزمین فلسطینیان در بخش‌های نوار غزه و کرانه غربی شود.

در حقیقت توافقات اسلو، وی رپور و کمپ دیوید و هر آنچه که به دیدارهای امنیتی و سیاسی با دشمن صهیونیستی مربوط می‌شود، ملت فلسطین را که به خوبی از حجم مخاطرات این مذاکرات و نشست و برخاست‌ها آگاه بود

حقوق اساسی را به صاحبان آن باز نخواهد گرداند، چرا که گفتگو کنندگان محکوم و محتوم به‌سنجش قدرت از کار افتاده گذشته به نفع اسرائیل بوده و از اینرو برآورنده و رشد دهنده منافع و شرط‌های اسرائیلی و توراتی شده‌اند.

۵: شکست مسیرسازش و مذاکرات و پیدایی کفایت آن

با امضای توافقنامه اسلو طی هفت سال گذشته ناکامی مسیر سازش را که در اتاقی بسته محصور و به تنگ آمده است همواره با گوش جان شنیده‌ایم، با این همه امریکا سرنخ امور را برای تجدید حیات دوباره روند سازش به دست دارد و کیان صهیونیستی نیز ظرف مدت زمان مزبور با حمایت همه جانبه دولت امریکا سیاست تضعیف و خواری طرف فلسطینی گفتگو کننده را در پیش گرفته و با این روش شرایط و خواست‌های خود را در اتاق مذاکرات برعلیه آنان دیکته می‌کند.

به رغم این تحولات ملت فلسطین خود را وامدار و شریک توافقات به عمل آمده نمی‌داند. اما ناچار از سوختن در خرمن ناهلان و دشمنان خویش و محکوم به پرداخت خون بهای آن در سرزمین خود می‌باشد. سرنوشت اسلو که به تغییر دیدگاه رهبران فلسطینی منجر شد به خوبی روشن

به جنبش و خروش واداشت، برخی از عوامل این تحرک را در زیر برمی‌شماریم:

الف) توافقنامه اسلو ملت فلسطین را از حیث جغرافیایی و جمعیتی خرد کرد.

ب) این توافقات دست ملت فلسطین را در دفاع از خویشتن و حمایت از امنیت خویش بست درحالی که دست صهیونیست‌ها را در امنیت همه جانبه و حقانیت خویش در رفتار وحشیانه و در منتهی درجه قلع و قمع ملت فلسطین بازگذارد.

ج) دست حکمرانان و شهروندان صهیونیستی را در گسترش و توسعه شهرک‌سازی در کلیه مناطق بازگذاشته و سیاست تساهل را در بیت‌المقدس به مثابه سیاست متکی بر سرزمین و مناطق مسکونی منطبق ساخت.

د) توافقات مزبور، استیلای حاکمیت صهیونیستی را بر بنیان ملت فلسطین از حیث نهادهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی توسعه بخشید.

اوج‌گیری این سیاست که به وابستگی و پیروی ملت فلسطین از کیان صهیونیست‌ها منجر می‌شد، با هدف استعمار و نابودسازی روحیه مقاومت ملت فلسطین و افول بینش و نیروی

فداکاری آنان در مقابل اجرای روند سازش صورت می‌پذیرفت.

ه) اجلاس سران در کمپ دیوید واقعیت دیدگاه اسرائیل را به گونه‌ای که نشریه "یدیעות احرونوت" آن را منتشر ساخته آشکار می‌سازد و جای هرگونه شک و تردید نسبت به آن را سد می‌نماید. این نشریه در صفحه‌های اول خود می‌آورد:

"ما اینجائیم و آنان در آن سو قرار دارند. هیچ بازگشتی به سوی مرزهای ۱۹۶۷ وجود ندارد، بیت‌المقدس تنها تحت رهبری و اداره ما قرار دارد. اکثریت شهرک نشینان تحت اداره و حاکمیت اسرائیل در ترتیبات اوضاع نهایی قرار می‌گیرند و دولت اسرائیل هیچگونه مسؤولیت اخلاقی و یا حقوقی را درخصوص مشکلات پناهندگان فلسطینی برعهده نخواهد گرفت."

۶: جنبش ملت فلسطین در جداسازی رهبری و هدایت اقدامات در قضیه فلسطین

ملت فلسطین با تمام وجود توهین‌هایی را که از سوی ایالات متحده امریکا متوجه آنان می‌باشد درک کرده است. مخصوصاً در خیزش اخیر امریکا برای به دست‌گیری سیاست‌ها در قضیه فلسطین که به نمایندگی از

الف) انتفاضه وجدان ملی را در میان توده‌های فلسطینی بیدار کرد و خط جدایی و تفرقه میان ملت فلسطین را در مناطق ۱۹۴۸ و مناطق کرانه باختری و نوار غزه از میان برد، مشارکت ملت فلسطین در مناطق الخلیل و مثلث در انتفاضه بره‌گونه سیاست تفرقه افکنانه و نابود کننده‌ای که صهیونیست‌ها در طول بیش از پنجاه سال در حق ملت فلسطین روا داشت مهر بطلان زد.

ب) انتفاضه سبب گردید تا پدیده اسرائیل و راهبردهای آن در به خاک و خون کشیدن ملت فلسطین در خلال سال‌های گذشته از ابتدای ۱۹۴۸ که با هدف محکومیت و نابودی ملت فلسطین و در نهایت تحمیل شرایط و تخفیف‌ها در قضیه فلسطین انجام می‌گرفت و دربرگیرنده آثار جنایات اسرائیل در حق فلسطینیان بود خاتمه بخشید.

ج) انتفاضه مرکزیت و عمق استراتژیک عربی و اسلامی را به قضیه فلسطین همچون روز اول و درست از هنگام به آتش کشیدن مسجدالاقصی در سال ۱۹۶۹ که به جنبش فراگیر ملت‌های عربی و اسلامی انجامید بازگرداند، با این وجود فشارهای وارده به سازمان‌های بین‌المللی

سوی اسرائیل و به هدف طرح و اجرای شروط رژیم اشغالگر قدس به اشغال جایگاه وی دست یازید به خوبی آگاه است.

ملت فلسطین با وجود مشاهده توطئه‌های امریکا در قضیه فلسطین و حجم حمایت‌های مطلقه از منافع رژیم غاصب اسرائیل هرگز وضع موجود را تحمل نخواهد کرد.

تنها مستمسک ملت فلسطین در پاسخ‌گویی به این جنایات به دست‌گیری زمام امور از طریق انتفاضه می‌باشد تا از این رو کلیه اشکال محاصره و سیاست‌های متخذه در جهت کوتاهی دست فلسطینیان از جغرافیای عربی و اسلامی را بشکند.

من مطمئن هستم که ملت فلسطین با رفتار و کردار خویش حاکمیت فلسطین را از زنجیره فشارهای صهیونیستی به هدف تخفیف بیشتر در برابر دیکته‌های آمرانه اسرائیلی و امریکایی رهانیده و به خوبی آنان را آگاه ساخته است. اما در درجه اول خویشتن خویش و موضوعیت فلسطین را از خطر سازش و تحمیل آن بر نقشه جغرافیای عربی و اسلامی در تمامی سطوح ملی و رسمی آبن آگاه ساخته است.

انتفاضه مجموعه‌ای از طرح‌ها و نتایج بسیاری را تحقق بخشید که به پاره‌ای از آنها در زیر اشاره می‌نمائیم.

آنان را به اتخاذ مواضع همپایه با مصائب جهان اسلام وادار نمود.

د) انتفاضه به تمامی نیروهای سیاسی فعال جان و روح تازه‌ای بخشید و به گونه‌ای سازمان یافته در کالبد ملی، اسلامی در عرصه فلسطین بروز و ظهور یافت. بدینگونه پرچم انتفاضه برافراشته گشت و بدینسان حفاظت و صیانت از استمرار آن به عنوان طرح اصلی که در نهایت به ترسیم مرزهای رشد و توسعه ملی و قومی خواهد انجامید، مطرح می‌باشد.

اکنون ما در مقابل انقلاب توده‌های بزرگی قرار داریم و برما است تا آن را در چارچوب، طرح نهضتی استقلالی و آزادخواهانه خویش سرمایه‌گذاری نمائیم تا فقط به یک تحرک سیاسی موقت و گذرا منجر نگردد. چرا که انتفاضه سال ۱۹۸۷ خود محصول تلاشی بود که در جهت صلح سیاسی با دشمن صهیونیستی پیش می‌رفت. امروزه ما بهای فراوانی را بابت این صلح ننگین و نتایج حاصل از آن را که در طی هفت سال گذشته از توافقی اسلو پدیدار

گشته، می‌پردازیم. آنچه که امروز بر ما هویدا گردیده این است که صلح مطرح شده خیلی بدتر از شرایط دشوار جنگ بوده است. از اینرو بر ما فرض است که به عنوان فلسطینی و با مشارکت و همراهی جهان عرب و تمامی مسلمانان به هر قیمتی که شده مانع از اجرا و تحقق آن گردیم، در این صورت سرمایه‌گذاری اندکی در جهت ادای دین خود به انتفاضه موجود و خون‌های شهدا و مجروحان آن انجام داده‌ایم.

این انتفاضه به وقوع پیوسته تا ادامه یابد و با بخشنامه هم پدیدار نگردیده تا با صدور آن از میان برود و چه بسا با عقب‌نشینی تدریجی ارتش اشغالگر از سرزمین‌های فلسطینیان و آزادسازی یکایک شهرک‌ها به عنوان برنامه اولیه در جهت آزادسازی کامل اراضی اشغالی به اوج خود نیز برسد. البته این مهم نیازمند حمایت پشتیبانی ملت‌ها و حاکمیت‌های عربی و اسلامی به طور کامل از انتفاضه ملت عزیز فلسطین در سطح سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی دارد.

ترجمه: مجتبی فردوسی‌پور